

چالش های سیاسی در روابط افغانستان و پاکستان

-فرزاد رمضانی بونش

پژوهشگر و کارشناس منطقه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

واژگان کلیدی: روابط افغانستان و پاکستان، چالش ها در روابط افغانستان و پاکستان، چالش های سیاسی ، افغانستان و پاکستان

بیان رخداد:

روابط افغانستان و پاکستان، اخیرا به دلیل وقوع حمله های خونین در کابل به تیرهگی گرایید و موجی از مخالفت با پاکستان در افغانستان شکل گرفت. چنانچه سران حکومت وحدت ملی در واکنش به این حمله ها، پاکستان را متهم به پشتیبانی و پناه دادن به تروریست ها کردند. در این بین در حالی که پس از آنکه دولت افغانستان سفیر پاکستان را در پیوند با حملات راکتی از خاک آن کشور به افغانستان احضار کرده ، اعتراض اخیر دولت پاکستان و احضار سفیر افغانستان نیز در مورد در پرتاب راکت از سوی گروهی تروریست از مرز افغانستان موجب احضار سفیر افغانستان شد. در این بین در چنین شرایطی نیز دهمین جلسه کمیسیون مشترک اقتصادی افغانستان و پاکستان (که قرار بود با حضور اکلیل حکیمی و اسحاق در، وزیران مالیه دو کشور در اسلام آباد برگزار شود) در آخرین دقایق لغو شد و در کنار آن نیز در شبکه های مجازی رسانه ای افغانستان کمپین ها و تحریم هایی بر ضد کالاهای پاکستانی بنیان شد و باور هایی به این جمله که «پاکستان دشمن مردم افغانستان است» اوج گرفته است. در این میان اگر به چالش های سیاسی و امنیتی کنونی روابط دو کشور پردازیم باید این چالشها را به دو بخش تقسیم کرد:

تحلیل رخداد:

چالش های سیاسی و امنیتی بنیادین:

دیورند و پشتونستان: در واقع روابط افغانستان با پاکستان از آغاز بنیان پاکستان فراز و نشیب های فراوانی داشته و مهمترین موضوع اختلاف دو کشور خط مرزی دیوارند و مسئله پشتونستان بوده است. در واقع عملا دو کشور در مورد حاکمیت این منطقه به توافق نرسیده اند و پاکستان ادعا دارد که منطقه پشتونستان به آن ها تعلق دارد و دیورند نیز هنوز در افغانستان دیورند پذیرفته نشده و کابل معتقد است که آن

منطقه در شمول حاکمیت افغانستان است. گذشته از این ادعاهای سرزمینی همواره گرداگرد خط دیورند بین افغانستان و پاکستان عامل مهمی در تنش بوده است. در این میان هر چند رهبران افغانستان به دنبال تقویت هر چه بیشتر ارتش و نیروی امنیتی افغانستان هستند اما از نگاه نخبگان نظامی در پاکستان هر چه ارتش و نیروی امنیتی افغانستان قدرتمند تر گردند داعیه هایی چون خط دیورند و پشتونستان بر ضد پاکستان افزون میگردد.

حمایت از تروریسم: خنثی نمودن ملی گرایی پشتونی افغانی از راه سیاست بنیان گروههای دست نشانده برای دستیابی به اهداف اسلام آباد همچنان مد نظر است. در این راستا از یک سو دولت پاکستان ادعا می کند که دولت افغانستان حمایت گر کسانی که در پاکستان نا امنی بنیان می کنند است و در مقابل افغانستان مدعی است که نظامیان پاکستانی در انجام این حملات نقش دارند و به شکل هدفمند و مستمر بخشهای از افغانستان را مورد هجوم قرار می دهند. در این حال پاکستان اقدامی نمی کند و ادعای دولت افغانستان را تکذیب می کند. در واقع در سالهای گذشته بازداشت و پی گرد قانونی رهبران طالبان در «کویته» و «پشاور» پاکستان، نابودی پناهگاه های طالبان، جلوگیری از درمان مجروحین طالبان در پاکستان، موافقت به انتقال زندانیان به افغانستان و... از خواسته های اصلی و بنیادین افغانستان است، اما در عمل این رویکرد چندان مورد توجه پاکستان نیست. این امر در حالی است که رهبران طالبان همچنان در پاکستان مستقر هستند و به صورت مستقیم از داخل پاکستان جنگ در افغانستان را رهبری می کنند.

هراس پاکستان از نقش هند در افغانستان: در دهه های گذشته سیاست هند پشتیبانی از دولتهای افغانستان (بجز طالبان) قرار داشته است و در سالهای گذشته کوشیده تا نفوذ سیاسی اقتصادی و امنیتی خود را در افغانستان بالا برد. اما پاکستان از این امر بیمناک بوده و خواستار کاهش روابط هند با کابل و در مقابل افزایش نفوذ خود در افغانستان بوده است. در این حال اسلام آباد افزایش روابط حمل و نقلی و سه جانبه هند ایران و افغانستان (با تکیه بر بندر چابهار) و رویکردهای دیگر هند در افغانستان را بر خلاف منافع پاکستان و از دست دادن حیاط خلوت خود ارزیابی میکند.

چالش های اخیر سیاسی و امنیتی:

صلح با طالبان: پس از به قدرت اشرف غنی دو کشور پاکستان و افغانستان تصمیم به امضای تفاهم نامه ی همکاری اطلاعاتی گرفتند و نخست وزیر

پاکستان متعهد شد تا از اقدامات برای به پای میز مذاکره کشاندن طالبان حمایت کند، اما عملاً حمایت پاکستان از روند آشتی ملی در افغانستان تنها از راه سیاسیون نمیگذرد، بلکه باید با نظامیان پاکستان هم مذاکره کرد. در این بین این امر همواره با دخالت های گاه و بیگاه پاکستان به نافرجامی انجامیده است. در واقع گفت و گوی سیاسی با گروه طالبان با میزبانی پاکستان بعد از اعلام مرگ ملا عمر شکست خورد و آینده این امر تهدیدی عمده در روابط دو کشور شده است.

چالش های دیگر امنیتی: اخیراً پس از زنجیره حملات در کابل و حملات راکتی در مرز اسلام آباد و کابل یکدیگر را متهم می سازند که پیکارجویانی را حمایت می کنند و به آن ها پناهگاه می دهند که از مرز عبور نموده و حملاتی را انجام می دهند. در این بین پاکستان افغانستان تقاضا می کند تا فضل الله روحانی تندرو را به آن کشور تسلیم کند. این امر در حالی است که از نگاه بسیاری در بدنه دولت کابل حمایت مخفیانه اسلام آباد از طالبان و گروه های شورشی ادامه دارد و مقامات پاکستانی کماکان به حمایت از طالبان ادامه داده تا مانع از کاهش نفوذ سیاسی اقتصادی و ژئوپلیتیک اسلام آباد در افغانستان شوند.

گذشته از این نیز وزیرستان و پیامدهای حمله به آن نیز خود چالشی مهم است. در واقع در ماه های اخیر عملیات نظامی ارتش پاکستان در بخش های قبایلی نشین شمال غرب این کشور، به تضعیف و یا فرمان پذیری طالبان پاکستان (تحریک طالبان) منجر شده است، اما آنها را به بخش های جنوب و حتی شمال افغانستان روانه کرده و برخی گروه های از پاکستانی مانند «تحریک طالبان پاکستان»، «لشکر طیبه» حتی تا بدخشان جابجا شده اند. گذشته از این نیز از نگاه کابل و برخی کارشناسان افغانستانی تهدید داعش و افزایش موج شیعه ستیزی در این کشور در حالی که گروه تحریک طالبان پاکستان حمایت گسترده خود را از داعش اعلام کرده است دامنه نفوذ جریان داعش از بخش های نا امن پاکستان را به افغانستان کشیده است و به چالشی در روابط دو کشور بدل شده است.

آنچه مشخص است در واقع این چالش ها در کنار چالش های بنیادین گذشته موجب شده است تا با وجود تلاش رهبران دولت وحدت ملی در بهبود روابط افغانستان و پاکستان احتمال ارجاع این پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد بیش از گذشته جدی تر شود.